

بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری و ماکس وبر در مسئله شرور با تأکید بر شیوع کرونا

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

مریم غازی اصفهانی^۱

مجید کافی^۲

چکیده

دین اسلام آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی است و در مواجهه با مسائل، نسبت به رویکردهای سکولار مواجهه‌های متفاوتی دارد. برای نمونه، برخورد اسلام با مسئله شرور با مواجهه سکولار آن تفاوت‌هایی دارد. هرچند در برخی از ابعاد نیز شباهت‌هایی موجود است. نویسنده به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که وجه تمایز و تشابه خوانش شهید مطهری (به‌عنوان رویکرد اسلامی) از مسئله کرونا به‌عنوان شر، از خوانش ماکس وبر (به‌عنوان دیدگاهی سکولار) چیست. در این نوشتار، تقریر شهید مطهری از مسئله شرور با خوانش ماکس وبر از درد و رنج با تأکید بر مسئله کرونا مقایسه شده است. در این پژوهش داده‌های موردنیاز از طریق بررسی کتابخانه‌ای به‌دست آمد و داده‌ها به روش مقایسه‌ای تحلیل شدند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در رویکرد شهید مطهری و ماکس وبر از شرور با تأکید بر کرونا مشخص شود. براساس نتایج پژوهش، شهید مطهری معتقد است شرور فاعلی ندارد، اما از دید ماکس وبر شر مانند خیر فاعل دارد و با طرح نظریه عقلانیت، درصدد معنابخشی به زندگی و توجیه درد و رنج از طریق دین است. از دیدگاه شهید مطهری شرور بخشی از نظام یکپارچه عالم است؛ درحالی‌که از دیدگاه ماکس وبر درد و رنج موجب اختلال در معنا است. در رویکرد شهید مطهری شرور دارای فوایدی نیز هست، اما در رویکرد وبر شرور بی‌معنا است. مسئله نبود و نسبی‌بودن شرور و اندام‌وارگی جهان و نیز فواید شرور عالم در رویکرد شهید مطهری، بیانگر برتری خوانش اسلامی بر نوع سکولار آن است. با توجه به شواهد موجود در شرایط شیوع کرونا در جهان و نیز با توجه به منابع موجود، نظریه شهید مطهری در توجیه شرور از توفیق بیشتری برخوردار است. **واژه‌های کلیدی:** روش مقایسه‌ای کرونا، رویکرد اسلامی، سکولاریسم، شرور، شهید مطهری، مکس وبر.

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم، نویسنده مسول maryam_ghazi2002@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه، استادیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در جهان، بحث شرور عالم است. از ابتدای خلقت جهان و انسان همواره مسائلی مانند بلاهای طبیعی، بیماری‌ها و مشکلاتی در دنیا برای ساکنان زمین وجود داشته است و انسان‌ها در طول تاریخ با بسیاری از این پدیده‌ها مواجه شده‌اند. شیوع وبا و طاعون در قرون گذشته انسان‌های بسیاری را به کام مرگ کشاند و جوامع بسیاری را درگیر کرد. در دهه‌های گذشته نیز انواع بیماری‌ها و مشکلات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان و غیره بشر امروز را دچار چالش‌های جدی کرده است. شیوع بیماری کرونا در جهان در ماه‌های اخیر نیز یکی از مهم‌ترین چالش‌های انسانی است که بر ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی زندگی بشر تأثیرات بسیار عمیقی گذاشته است.

متفکران و اندیشمندان و نیز عامه مردم همواره در پی یافتن توجیه و دلیلی برای مسئله شرور بوده‌اند و این سؤال همیشه در ذهن آنان وجود داشته است که چرا این وقایع رخ می‌دهند. آیا این پدیده‌ها با وجود نظم در عالم و حکمت الهی منافات دارد؟ ذهن انسان جستجوگر می‌خواهد علت پدیده‌های اطراف خود از جمله سختی‌ها و ناملایمات را بداند تا بر شرایط سخت بهتر فائق آید و بتواند شادی و نشاط خود را حفظ کند. جست‌وجوی علل این پدیده‌ها که مربوط به تدبیر عالم به وسیله خداوند است، همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است و آن‌ها بسته به سطح دانش و تعقل و با تکیه بر باورهای بنیادین خود نسبت به مبدأ و مدبر عالم، برای تبیین آن، پاسخ‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند (جبرئیلی، ۱۳۸۵: ۹). فیلسوفان و متفکران همواره درصدد هستند با استفاده از دین توجیهی برای شرور و درد و رنج ناشی از آن به مردم ارائه کنند و انسان گرفتار در شرور می‌خواهد بداند دین برایش چه توضیحی ارائه می‌دهد و مشکلات او را چگونه توجیه می‌کند.

یکی از مصادیق شرور در عالم، شیوع بیماری کرونا در ماه‌های اخیر است. این ویروس در مدت کوتاهی نه فقط افراد بیمار، بلکه تقریباً همه جهان را به نحوی درگیر کرده است؛ بنابراین انتظار می‌رود پاسخی قانع‌کننده به آن داده شود.

برای تبیین این پدیده، در این مقاله به دو متفکر از دو حوزه معرفتی متفاوت مراجعه شده است: الف) شهید مطهری؛ ب) ماکس وبر^۱. دلیل انتخاب این دو متفکر آن است که شهید مطهری به‌عنوان یکی از فیلسوفان متأخر مسلمان در آثار خود به بررسی شر پرداخته و توانسته است این مسئله را به‌خوبی و با دلایل و براهین عقلی و براساس مبانی اسلامی به‌خوبی تبیین کند. ماکس وبر نیز مشهورترین اندیشمند غربی است که به بررسی و توجیه مفهوم درد و رنج ناشی از شرور پرداخته است.

هدف و پرسش‌های پژوهش

درواقع، پژوهش حاضر بر آن است که دیدگاه شهید مطهری با ماکس وبر از مسئله شر، با محوریت شیوع کرونا مقایسه شود و مزیت رویکرد شهید مطهری را بازنمایی کند. در اینجا پرسش‌هایی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:

- خوانش شرور براساس شهید مطهری به چه صورت است؟
- درد و رنج براساس رویکرد ماکس وبر چگونه خوانش می‌شود؟
- شباهت‌ها و تفاوت‌های خوانش اسلامی (نظریه شهید مطهری) نسبت به شر و خوانش سکولار (نظریه ماکس وبر) آن با محوریت کرونا چیست؟
- چرا ما قائل به برتری خوانش اسلامی شرور نسبت به خوانش سکولار آن هستیم؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری به موضوع شرور پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها درصدد تبیین و توصیف این پدیده از دیدگاه مطالعات دینی بوده‌اند. در این راستا آثاری به استخراج دیدگاه‌های غربی پرداخته‌اند و برخی دیگر درصدد بررسی نظریات اسلامی درمورد درد و رنج و شرور بوده‌اند. برخی از منابع نیز با نگاهی تطبیقی به آثار اندیشمندان مسلمان و غربی درمورد شرور پرداخته‌اند که مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود.

۱. کارل ماکسیمیلیان امیل وبر جامعه‌شناس، استاد اقتصاد سیاسی، تاریخدان، حقوقدان و سیاستمدار بود و به‌گونه‌ای ژرف نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی را زیر نفوذ و تأثیر خود قرار داد.

مقاله «تطبیق رویکرد شرور از دیدگاه شهید مطهری و آگوستین» نمونه‌ای از بررسی‌های تطبیقی اخیر در مورد شرور از روح‌الله آدینه و سمانه شاهرودی است که در نشریه پژوهش‌های علم و دین در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. آن‌ها در این مقاله به بررسی مفهوم شرور از دیدگاه آگوستین و شهید مطهری پرداخته‌اند و پرسش اصلی این مقاله در مورد مسئله شر این است که شرور به خداوند برمی‌گردد یا به انسان‌ها.

مقاله «مسئله شر و راه‌حل‌های آن» به وسیله محمد محمدرضایی نوشته شده و در نشریه پژوهش‌های دینی در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله پس از ارائه توصیف مفهومی و مصداقی از مسئله شر، برای حل آن، پنج راه‌حل ارائه شده و نشان می‌دهد با توجه به این راه‌حل‌ها، معضل شرور با خدا باوری منافاتی ندارد. راه‌حل‌ها عبارت‌اند از: ۱. شر امری عدمی است؛ ۲. شر لازمه جهان مادی است؛ ۳. شر لازمه آزادی انسان است؛ ۴. شر ناشی از جزئی‌نگری است؛ ۵. شر ناشی از جهل انسان است.

مقاله «پاسخ‌های فلسفی ملاصدرا و آگوستین به مسئله شر» که سید مرتضی حسینی شاهرودی و کوبک دارابی در سال ۱۳۹۵ در نشریه الهیات تطبیقی چاپ کردند. نویسندگان معتقدند ملاصدرا و آگوستین در آثار خویش به روش ترکیبی فلسفی و کلامی در صدد پاسخگویی به مسئله شر هستند. پاسخ‌های فلسفی آنان عبارت‌اند از: عدمی و نسبی‌دانستن شرور، احسن بودن نظام هستی و اینکه شرور لازمه عالم ماده است. این مقاله به روش تطبیقی نظرات این دو فیلسوف در مورد شر بررسی کرده است.

مقاله «بررسی تطبیقی مسئله شر در فلسفه ملاصدرا و لایبنتس» نوشته ابودر نوروزی و رضا برنجکار است که در نشریه جستارهای فلسفه دین انجمن علمی فلسفه دین ایران در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. این مقاله به روش تحلیل گزاره‌ای به بررسی دیدگاه ملاصدرا و لایبنتس درباره شر می‌پردازد. ملاصدرا با رویکردی سنتی و لایبنتس با رویکردی سنتی و نو، به بحث درباره مسئله شرور پرداخته‌اند. راه‌حل سنتی عدمی بودن شر، میان این دو متفکر مشترک است و نیز هر دو راه‌حل نامنظم مبنایی ندارد. در یکی، شر عدمی تلقی شده است؛ در حالی که لازمه راه‌حل‌های دیگر، تلقی وجودی از آن است و به صورت کلی پاسخگوی چالش‌های معاصر درباره شر نیست.

اثر دیگر، مقاله «مقایسه دیدگاه مطهری و سوئینبرن درباره مسئله شر» نوشته حسن قاسم‌پور و حمیدرضا اسکندری دامنه است که در پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت) در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. این مقاله دیدگاه مرتضی مطهری و ریچارد سوئینبرن را در مورد مسئله شر بررسی کرده است. شباهت دیدگاه این دو متفکر آن است که هر دو بر اساس نظام منسجم عدل الهی خود، علی‌رغم وجود خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیرخواه مطلق، درصدد تبیین و توجیه شرور هستند. مرتضی مطهری برای شرور ویژگی‌های «عدمی بودن شر»، «نسبی بودن شر» و «تفکیک‌ناپذیری خیر و شر» را ذکر می‌کند. دیدگاه سوئینبرن نیز با مفاهیم «شر اخلاقی»، «شر طبیعی» و «رنج حیوانات» بررسی شده است. هرچند هر دو متفکر بر اختیار انسان و وجود نظام احسن الهی و فواید شرور با هم متفق‌القول‌اند، در باب ماهیت شر و تقسیم‌بندی اختلاف نظر دارند.

ابن سینا نیز در کتاب شفا تحلیلی در مورد مسئله شر ارائه کرده است که فلاسفه بعدی نیز به این اثر او استناد کرده‌اند و در آن شرور را امری فانی و ضروری می‌داند. در رویکرد شهید مطهری نیز به عدمی بودن شر اشاره شده است. مقاله «مسئله شر در مکتب ابن عربی» نوشته ناصر فروهی و مهناز خدایی که در سال ۱۳۹۲ نگارش شد و در نشریه اندیشه نوین دینی به چاپ رسید، نیز به بررسی وجودی یا عدمی بودن شر در مکتب ابن عربی می‌پردازد.

مقاله راز و فواید شرور از دیدگاه شهید مطهری و حکمای اسلامی که به وسیله لیلا روستایی پاتپه نگارش و در سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی در سال ۱۳۹۶ ارائه شده است، از آثار متأخر در بررسی نظرات اندیشمندان مسلمان است. نویسنده در این اثر به بیان بخشی از تلاش‌های شهید مطهری در حل معمای شرور بر اساس مبانی عقلانی، فلسفی و وحیانی از موضع یک فیلسوف مسلمان پرداخته است.

به دلیل رعایت اختصار، موارد دیگر ذکر نمی‌شود. تمایز این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های تطبیقی در مورد شرور این است که اثر حاضر با محوریت شیوع بیماری کرونا در ماه‌های اخیر انجام شده است. هرچند پس از شیوع کرونا، در ماه‌های اخیر یادداشت‌هایی در مورد مسئله شرور و شیوع کرونا در جهان نگارش و متن مصاحبه‌های متفکران در این مورد در فضای مجازی و سایت‌ها و غیره منتشر شده است، تاکنون پژوهش جدی و تطبیقی در این زمینه صورت نگرفته است.

تعریف مفاهیم

مسئله شر

مسئله شر یکی از مفاهیم بدیهی در جهان است و به‌طور کلی، به شر اخلاقی و شر طبیعی تقسیم می‌شود. در تعریف مصداقی، شرور طبیعی یعنی حوادث و بلایایی که معلول اتفاقات طبیعی جهان پیرامون ما است؛ مانند زلزله، سیل، طوفان، مرگ و بیماری‌ها و غیره که اجازه نمی‌دهند انسان به‌صورت کامل از همه خیرها و خوبی‌های دنیوی بهره‌مند شود (بحرانی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). در دایرةالمعارف روتلج در تعریف شر اخلاقی آمده است: «شر نتیجه شدیدترین گناه اخلاقی ما است و تحمیل آسیب ناعادلانۀ خطرناک روی احساس موجودات است. قتل، شکنجه، برده‌گیری و غیره بعضی از نمونه‌های شر هستند» (Kekes, 1998: 436؛ جبرئیلی، ۱۳۸۵: ۳۱).

اقسام شر

از جانب نظریه‌پردازان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای مسئله شر ذکر شده است. افلاطون شر را به دو نوع تقسیم‌بندی می‌کند: الف) شروری که از ناحیه انسان هستند؛ ب) شروری که در عالم طبیعت وجود دارند (ابن‌سینا، ۱۳۸۵: ۶۹۹). لایبنتس دسته‌بندی دیگری از شرور ارائه می‌کند: الف) شرور طبیعی نظیر زلزله، آتش‌فشان، خشکسالی، گردبادها و شروری که در میان نباتات، جمادات و حیوانات اتفاق می‌افتد؛ ب) شر اخلاقی که از اراده و اختیار آدمی ایجاد می‌شود که در ادیان ابراهیمی به آن گناه می‌گویند؛ ج) درد و رنجی که انسان در روح به‌واسطه جسم و بدون آن احساس می‌کند؛ مانند دندان‌درد، شرم، کمرویی و احساس حقارت؛ د) شر مابعدطبیعی (ملکیان، ۱۳۷۹: ۲۸۸). شیوع بیماری کرونا در جهان از جمله مصداق بارز شر طبیعی در عالم و در این نوشتار مقصود ما از شر همان شر طبیعی است.

درد و رنج

مفهوم درد و رنج به مشکلات و سختی‌های حاصل از شرور عالم گفته می‌شود و در پژوهش حاضر درد و رنج و شر به یک معنا در نظر گرفته شده‌اند.

سکولاریسم

در تعریف جامعه‌شناختی از سکولاریسم که یکی از تعاریف جامع و کامل درباره این مفهوم است، سکولاریسم به معنای به‌حاشیه‌راندن دین و کنارگذاشتن آن و نیز کاهش نفوذ دین در جامعه و متن زندگی مردم آمده است (همتی، ۱۳۷۵: ۱۹۶). دیدگاه سکولاریسم بر این تفکر استوار است که در زندگی باید ارزش‌ها را در نظر گرفت و نیازی به وجود خدا یا خدایان در زندگی نیست. تعبیر ماکس وبر و برخی از جامعه‌شناسان غربی از مفهوم سکولاریسم و برخی از جامعه‌شناسان معاصر غربی به معنای خصوصی‌شدن دین و بیرون‌راندن دین از صحنه زندگی است (آبراکرامی، ۱۳۶۷: ۳۱۳). در این مقاله ماکس وبر را یکی از متفکران سکولار قلمداد می‌کنیم.

کرونا

کرونا ویروس‌ها با نام علمی Coronaviruses خانواده بزرگی از ویروس‌ها هستند که از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری‌های شدیدتری را مانند سارس، مرس و کووید ۱۹ شامل می‌شود. کرونا ویروس‌ها در دهه ۱۹۶۰ کشف شدند و مطالعه روی آن‌ها به‌طور مداوم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. این ویروس به‌طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می‌کند. با این حال تاکنون هفت کروناویروس منتقل شده به انسان کشف شده است که آخرین نوع آن‌ها در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین با همه‌گیری در انسان شیوع پیدا کرد و پس از مدت کوتاهی تمام جهان را درگیر خود کرد.^۱ در این پژوهش پدیده شیوع کرونا در سال‌های اخیر در جهان به‌عنوان یکی از مصادیق شر در نظر گرفته شده است.

روش

گردآوری داده‌های پژوهش، به روش مطالعات کتابخانه‌ای و بازخوانی منابع اسنادی انجام شده است. آثاری از شهید مطهری و نیز ماکس وبر بررسی شده است که مسئله شر را تبیین کرده‌اند و دیدگاه‌های کلی آن‌ها استخراج شده است.

پس از گردآوری داده‌ها تحلیل آن‌ها به روش تطبیقی یا مقایسه‌ای انجام شده است. دلیل انتخاب این روش آن است که دیدگاه شهید مطهری و ماکس وبر در مورد شر دارای تفاوت‌ها و

1. <https://fa.wikipedia.org>

شباهت‌هایی است؛ برای مثال، هر دو عقیده دارند که شرور عالم همواره درد و رنج‌هایی را که ناشی از کمبودها، بیماری‌ها، حوادث طبیعی و غیره است بر انسان عارض می‌کند، اما در تبیین درد و رنج بشر با یکدیگر اختلافاتی نیز دارند. در مواردی که بین نظرات دو دانشمند شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد بهترین روش، رویکرد تطبیقی است. مزیت روش مقایسه‌ای بر سایر روش‌ها در این است که موجب غنای شناخت در پدیده‌ها می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۷۹). در راستای انجام این مقایسه ابتدا نظر ماکس وبر در مورد شر با تأکید بر کرونا بیان می‌شود. سپس دیدگاه‌های شهید مطهری درباره شرور با محوریت کرونا بررسی می‌شود. پس از آن، تحلیل یافته‌ها به روش تطبیقی انجام شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو نظریه‌پرداز استخراج و در پایان قول برتر تشریح شده است.

یافته‌های تحقیق

۱. خوانش شرور براساس رویکرد شهید مطهری

شهید مطهری در آثار خویش از جمله در کتاب *عدل الهی* به بررسی مسئله شر و تبیین نظری آن پرداخته و درصدد است به بسیاری از پرسش‌های مربوط به این مسئله پاسخ گوید. او معتقد است با اینکه مسئله شرور در عالم مسئله بغرنج و پیچیده‌ای است، اما لاینحل نیست و بسیاری از فلاسفه مسلمان به آن پاسخ داده‌اند؛ چرا که پاسخگویی به پرسش‌های انسان در مورد شرور، از جمله شیوع کرونا، به‌منظور تحمل شرایط سخت نقش بسزایی دارد. ایشان مسئله شرور را امری عدمی می‌دانند که از نیستی نشئت می‌گیرد نه از هستی و آنچه شر و بد است. شهید مطهری معتقد است اموری مانند سیل و زلزله (و مسئله کرونا در عصر حاضر) به‌خودی‌خود عدمی نیستند، اما به‌دلیل اینکه منشأ مسائل عدمی می‌شوند، از نظر انسان‌ها بد به حساب می‌آیند و به همین علت آن‌ها را اموری نسبی می‌دانند. شهید مطهری یکی از برجسته‌ترین متفکران مسلمان معاصر هم‌نوا با فیلسوفان مسلمان، در توجیه شرور بر این باور است که در جهانی که حرکت و جنبش مقوم آن است، حتماً باید تضاد حکومت کند؛ زیرا چنان که حکما گفته‌اند حرکت بدون وجود معارق ممکن نیست (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۹۵).

شهید مطهری در تبیین مسئله شرور، از صفات الهی مانند عدالت خیرخواهی و حکمت سخن می‌گوید و وجود شرور را مخل آنان نمی‌داند (همان، ۱۳۷۷: ۱۴۴). هرچند در آثار به‌جامانده از ایشان مسئله شر با تبیین‌ها و شرح‌های متعددی بیان شده است، در نوشتار حاضر به دلیل رعایت اختصار فقط چند تبیین بررسی می‌شوند که با شیوع کرونا تطابق بیشتری دارند. ایشان وجود شرور را به چند صورت تبیین می‌کند؛ یک بار با اشاره به نسبی بودن شر و نیز توجه به آن در نظام کل جهان و همچنین تبیین فوایدی که برای نظام خلقت دارد. در نتیجه می‌توان با تبیین‌های صورت‌گرفته به وسیله شهید مطهری شیوع بیماری کرونا را تبیین و توجیه کرد.

۱-۱. عدمی بودن شر

بر اساس دیدگاه شهید مطهری، از آنجا که شر امری عدمی است و از نبود خیر نشئت می‌گیرد، فاعلی ندارد. همه شرور یا خود عدم و عدمی هستند یا اینکه امور وجودی هستند که خود عدمی نیستند، اما به اعتبار وجود نسبی و اضافی‌شان به عدمی منتهی می‌شوند که شر است؛ بنابراین شرور اساساً هستی نیستند، یک سلسله از هستی‌ها هستند یا هستی‌هایی که وجودشان از نظر خودشان (وجود نفسی آنها) و از نظر بسیاری امور دیگر خیر است، ولی از نظر بعضی امور و نسبت به بعضی از امور شر به حساب می‌آیند که منشأ عدم در آنها می‌شوند (پایگاه جامع شهید مطهری). از دیدگاه اسلامی نخست اینکه خداوند خیر محض است و صرفاً نیکی‌ها را خلق می‌کند و هیچ بدی و شری در نظام نیست؛ دوم، شر امر عدمی است؛ بنابراین نیازی به خالق ندارد؛ سوم، منشأ آفات و شرور خود انسان‌ها هستند (روستایی، ۱۳۹۷: ۷).

۱-۲. نسبی بودن شر

شهید مطهری هم‌نوا با سایر فلاسفه اسلامی شرور را امری نسبی می‌داند. به صورت کلی، صفات اشیا به دو گونه‌اند: الف) صفات حقیقی: یعنی اتصاف موضوع به صفت ذاتی است مانند اتصاف انسان به حیات؛ ب) صفات غیرحقیقی و نسبی: یعنی ذات موضوع مستلزم چنین وصفی نیست، بلکه این موضوع در مقایسه با موضوع دیگری متصف به چنین وصفی است. در نتیجه در مقایسه با موضوع سوم، فاقد این وصف می‌شود؛ مانند بزرگ‌تر یا کوچک‌تر بودن که وصف اضافی و نسبی برای اشیا است. شر و بدی نیز از اوصاف حقیقی و ذاتی اشیا نیستند، بلکه از

اوصاف اضافی و نسبی هستند که در قیاس با موقعیت خاصی به موضوعات نسبت داده می‌شوند؛ درحالی‌که همین بدی‌ها نسبت به موقعیت دیگری خیر و کمال محسوب می‌شوند. مشکلات و مصائبی که بر انسان‌ها وارد می‌شوند چون موجب حرج و سختی می‌شوند، به شریعت متصف می‌شوند. از آنجا که مشکلات و مصائب موجب تکامل و پرورش روح می‌شوند، خیر و کمال قلمداد می‌شوند. از نظر ایشان وجود شرور ملازم و مقارن با سلسله‌خیرات است، بلکه معلول و تابع قهری آن‌ها است که اگر خیرات باشند، این شرور و عدمیات هم باید باشند؛ یعنی یک سلسله‌خیرات کثیر است که آن خیرات کثیر وجودشان مشروط به این شرور است و تا این شرور نباشد، آن خیرات هرگز محقق نمی‌شوند. پس بر شرور یک سلسله‌خیرات و مصالح مترتب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۴۷). نتیجه اینکه خداوند حکیم، نظام خیر و شر را به‌گونه‌ای تنظیم کرده است که انسان‌ها از بیشترین ثمرات برای رسیدن به کمال بهره‌مند شوند.

۱-۳. اندام‌وارگی اجزای جهان

جهان هستی یک واحد تجزیه‌ناپذیر است. از قدیم‌ترین دوران تاریخ فلسفه، به این مطلب توجه و این اصل همواره در جهان اسلام تأیید شده است و نامدارانی مانند ارسطو و میرفندرسکی بر آن اذعان داشته‌اند که رابطه اجزای عالم به‌گونه‌ای است که نمی‌توان فرض کرد قسمت‌هایی از آن قابل حذف و قسمت‌هایی قابل ابقا باشد. نه فقط عدم‌ها از وجودها و وجودهای اضافی و نسبی از وجودهای حقیقی تفکیک‌ناپذیرند، بلکه خود وجودهای حقیقی نیز از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. پس شرور علاوه بر دو جهت فوق‌الذکر و صرف‌نظر از آن دو جهت نیز از خیرات تفکیک‌ناپذیرند. اگر اشیا یا که به‌صورت تکوینی عضو یک نظام‌اند به‌صورت منفرد تصور شوند، وجود واقعی‌شان وجود عضوی، اندامی و ارگانیک است و وجود منفردشان وجود اعتباری. پس درمورد قضاوت درباره‌ی عضوی از یک مجموعه باید توازن مجموعه را در نظر بگیریم (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۶۶). به عبارت دیگر، شرور معنابخش زیبایی‌اند و نمایانگر خیرات و زیبایی‌ها و شرور منبع خیرات و مصائب مادر خوشبختی‌ها هستند (راه‌چمنی، ۱۳۹۷: ۱۳). در نتیجه برای اینکه در جهان خوبی‌ها و زیبایی‌ها وجود داشته باشند، وجود شرور و بدی‌ها

الزامی است و آن‌ها به‌عنوان یک نظام واحد و مانند اندام‌های یک جسم با هم همکاری و مشارکت دارند.

۱-۴. فواید شرور

همان‌طور که گفتیم، خوبی‌ها و بدی‌ها را باید به‌عنوان یک کل واحد در نظر بگیریم، اما اگر به‌صورت پدیده‌های منفرد در نظر گرفته شوند، چه حکمی بر آن‌ها مترتب است؟ مفیدند یا مضر؟ حکمای اسلامی بر این باورند که وجود شرور برای نظام خلقت ضروری است. شهید مطهری نیز معتقد است هرچند شرور نسبت به کل عالم و نسبت به خیرات در اقلیت‌اند، دارای فوایدی هستند. یکی از فواید مهم شرور که در بخش نسبی بودن شرور نیز بیان شد این است که زیبایی‌ها از طریق زشتی‌ها نمایان می‌شوند. شرور و زشتی‌ها نه فقط از این نظر که جزئی از مجموعه جهان‌اند و برای کل نظام ضروری و مفیدند، بلکه از نظر نمایان‌ساختن زیبایی‌ها نیز وجودشان لازم است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۴۱). علاوه بر این، وجود سختی‌ها برای رسیدن به سعادت نیز لازم است. بین شر و مصیبت و کمال و سعادت انسان رابطه مستقیم وجود دارد. در دل شرور و بدی‌ها و سعادت و نیکی نهفته است. فایده دیگر شرور، در اثر تربیتی آن است. گرفتاری، هم تربیت‌کننده خرد و هم بیدارکننده ملت‌ها است (همان: ۱۳۷). شهید مطهری فایده دیگر شرور و سختی‌ها را در تکامل انسان می‌داند. از دیدگاه وی شرور همان فقدان‌ها و فشارهایی است که سبب تکامل جهان می‌شوند. فایده و حکمت دیگر برای شرور، آزمون الهی بودن آن است که خداوند از این طریق بندگان خود را سنجش و ارزیابی می‌کند. اگر در طبیعت صرفاً توافق بود و اختلاف و تضاد و جنگی و خشی کردن اثر دیگری نمی‌بود، عالم به‌صورت موجودی راکد و ساکن و یکنواخت از ازل تا ابد درمی‌آمد (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۵۶). در نتیجه براساس دیدگاه استاد مطهری، شرور به‌علت دارابودن فوایدی از جمله نمایاندن خیرات و هموارکردن راه سعادت و کمال و داشتن نقش مربی برای انسان، وجودشان لازم و ضروری است.

از دیدگاه‌های ایشان می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در الهیات اسلامی، شرور در همه انواع آن، معضلی برای باورهای دینی و اعتقاد به خدا نیست و سازگاری کامل بین جهان مادی واجد شرور و اعتقاد به خدا وجود دارد. در بیست گفتار آمده است:

یکی از اموری که سبب تکمیل و تهذیب نفس و تصفیة اخلاق و تهییج قوا و نیروهای نهفته وجود انسان می‌شود و در حکم نیروی محرک دستگاه وجود انسان است، شداید و سختی‌ها و مصیبت‌ها است (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

وقتی که جهان را به‌صورت جمعی مدنظر قرار دهیم، می‌پذیریم که در نظام کل آن و در توازن عمومی وجود پستی و بلندی‌ها، فرازونشیب‌ها، همواری‌ها و ناهمواری‌ها، تاریکی‌ها و روشنایی‌ها، رنج‌ها و لذت‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها همگی لازم‌اند. اگر اختلاف و تفاوت نبود، کثرت و تنوعی نیز وجود نداشت و موجودات گوناگون نیز نبودند. در نتیجه مجموعه و نظام مفهومی نداشت. پس این همه تنوع و گوناگونی و زیبایی و آموزندگی که در نظام عالم وجود دارد، به‌نوعی مرهون وجود شرور در نظام هستی است.

۲. خوانش درد و رنج براساس رویکرد ماکس وبر

ماکس وبر مهم‌ترین نظریه‌پرداز غربی در حوزه دین‌پژوهی است و او را یکی از بنیان‌گذاران دانش دین‌پژوهی می‌دانند. فعالیت‌های پژوهشی او در این زمینه، با کتاب *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری* او آغاز شد. وبر دانشمندی است که به نقش دین در مواجهه با شرور عالم، از طریق کارکرد معنابخشی آن توجه می‌کند. غیر از ماکس وبر اندیشمندان دیگری نیز با رویکرد سکولار به مسئله شر پرداخته‌اند. سابقه بررسی شر در غرب به سقراط و افلاطون و ارسطو می‌رسد، اما اولین صورت فلسفی شر را اپیکورس فیلسوف یونانی در دوره باستان مطرح کرد و قرن‌ها بعد دیوید هیوم به بسط نظرات او اقدام کرد (امیری، ۱۳۸۰: ۳۰۹). کتاب *یک مسئله منطقی جدید از شر* (جی. ال. شلنبرگ) درصدد بیان منطقی از شرور عالم از طریق تبیین برهان‌های منطقی است. در کتاب هیوم دین طبیعی و مسئله شر (سرژیو کالتاگرن) به بررسی دیدگاه‌های دیوید هیوم درباره مسئله خیر و شر و منشأ آن‌ها پرداخته شده است. کلارک نیز معتقد است خدای قادر و دانا و مهربان دلیل خوبی برای اجازه‌دادن به شر و بدی در دنیا دارد (Clark, 2014: 74). در این بخش به بررسی مفاهیم ارائه‌شده از ماکس وبر برای تبیین رویکرد او به شر می‌پردازیم.

۱-۲. تئودیه یا عدل الهی

پیش فرض کلی همه ادیان این است که سیر حرکت جهان معنی دار است. بر طبق دیدگاه وبر رنج و شر مهم ترین مسائلی هستند که در روند معنابخشی به زندگی به وسیله دین اختلال ایجاد می کنند. این مفهوم آنچنان برای وبر حائز اهمیت است که آن را نقطه مرکزی همه ادیان می داند و شکل گیری جوامع را براساس تلقی دینی آنان از درد و رنج می داند (Tenbruck, 1989). ادعای وجود عدل الهی در ابتدا از آنجا پدید آمد که انسان شاهد درد و رنج و مصیبت های ناعادلانه بود و می خواست توزیع نابرابری خوشبختی فردی در دنیا به نحوی عادلانه جبران شود. دین مسئول فراهم کردن «توجیه الهی» برای معنی دار جلوه دادن بدبختی ها و خوشبختی های انسان ها است و این همان تئودیه یا عدل الهی است (همیلتون، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

۲-۲. عقلانیت وبری

عقلانیت وبر یکی از موضوعاتی است که او به عنوان نماینده ای از مکتب غرب آن را مطرح کرده است و به معنای نظام مند شدن فزاینده ایده ها و مفاهیم دینی، رشد خردگرایی اخلاقی و کاهش عناصر آیینی و جادویی در دین است. از دیدگاه او درد رنج در هم نشینی با دین، صورت قدسی پیدا می کند و در واقع عقلانی می شود. در حقیقت با تجربه شدید رنج، ما احساس نیاز به عقلانی شدن را می فهمیم، اما این عقلانیت بر معرفت، نظام های هنجاری، معنایی و تعهدات انگیزشی افراد تأثیر دارد. علاوه بر این، انتظارات عادی از واقعیت احتمال دارد در برابر تجارب موجود ناکام بماند. انسان دیندار برای درک معنای جهان باید خویشتن را از شناخت های عقلانی رها سازد و گرنه از طریق عقلانیت، توجیهی منطقی برای پدیده های شر ندارد. او معتقد است بی عدالتی و شر با پیشرفت عقلانیت درک ناپذیر می شود (همیلتون، ۱۳۸۹: ۲۰). این واقعیت فرهنگی که ما برای پاسخ به درد و رنج آن را برساخته ایم، به علت نبود معنا که ناشی از تجربه درد و رنج است، ما را دچار پریشانی می کند. بر طبق دیدگاه عقلانی او، در ادیان قدیمی، افراد محصور در شر گمان می کردند به خشم خدایان دچار شده اند، اما گسترش عقلانیت توجیه درد و رنج بشر را دشوار ساخت. در جامعه مدرن عقلانی، انسان بی پناه است؛ زیرا عقلانیت مدرن دین را از عرصه حیات بشر کنار نهاده و آن را به قلمروهای غیرعقلانی رانده است، ولی

خود نتوانسته است مشکلات بنیادی او را حل کند و به زندگی‌اش معنا ببخشد (فصیحی، ۱۳۸۹). همیلتون در کتاب *جامعه‌شناسی دین* خود می‌نویسد: «همراه با عقلانیت فزاینده برداشت‌های انسان از جهان، نیاز به تفسیر اخلاقی از معنای گسترش سعادت در میان مردم افزایش یافت. هرچه تأملات دینی و اخلاقی درباره جهان فزونی می‌یافت و هرچه مفاهیم ابتدایی ناظر به جادوگری بیشتر منسوخ می‌شد، عادلانه‌پنداشتن رنج، با دشواری بیشتری مواجه می‌شد. چه بسیار مواقع مصیبت بر کسانی وارد می‌شد که سزاوار آن نبودند و چه بسیار مواقعی که بعدها پیروز می‌شدند نه خوب‌ها؛ حتی آنکه ملاک خوبی و بدی را طبقه حاکم تعیین می‌کرد نه اخلاقیات بردگی» (ویر، ۱۳۹۷: ۳۱۲).

در نتیجه اساس رنج را می‌توان در عدم تطابق انتظارات به دلیل مدرنیته و فرایند عقلانی شدن و واقعیت دردآلود موجود دانست و همچنین در نبود معنا که موجب پریشانی ذهنی در انسان می‌شود (خشکجان، ۱۳۹۴: ۹). براساس نظر او عقلانیتی که رهاورد مدرنیته است، دین را از عرصه زندگی بشر کنار نهاده و آن را به قلمروهای غیرعقلانی رانده است، اما نتوانسته مشکلات بنیادی بشر را حل کند. در نتیجه توصیه می‌کند برای رهایی از حیرت و اضطراب به دین بازگردد یا وضعیت موجود را تحمل کند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

۲-۳. معنای زندگی

از نظر وبر وقتی دنیا و معرفت مربوط به آن عقلانی می‌شود، معنای زندگی از میان می‌رود. وبر معتقد است وقتی در دنیای جدید خرد و علم پیشرفت فزاینده‌ای دارند، مرگ رویدادی بی‌معنا می‌شود و چون مرگ بی‌معنا است، زندگی پیشرفته و متمدن هم بی‌معنا است (ویر، ۱۳۹۷: ۱۶۲). از دیدگاه وبر، در مراحل ابتدایی تکامل تاریخی که عقلانیت رونق چندانی نداشت، مسئله درد و رنج به راحتی به وسیله جادو و دین حل می‌شد، اما با پیشرفت عقلانیت، حل مسئله درد و رنج بسیار سخت و پیچیده شده است. علت این امر آن است که با پیشرفت عقلانیت، افراد بیشتری در معرض تجربه‌هایی که در معنا اختلال ایجاد می‌کند، قرار می‌گیرند و برداشت دقیق‌تر و عمیق‌تری از درد و رنج و بیماری و بی‌عدالتی خواهند داشت و دیگر با جادو و ادیان ابتدایی اقناع نمی‌شوند. حوادث ناگوار از نظر آنان به این دلیل بی‌معنا هستند که اصلاً نباید اتفاق

می‌افتادند؛ نه اینکه با سلیقه و نظر آنان ناسازگار باشند. نتیجه برداشت وبر این است که افراد خوب بیشتر در معرض بلا یا هستند؛ درحالی‌که مستحق آن نیستند. هرچه تفکرات و مفاهیم اخلاقی و دینی گسترش می‌یابد و بیشتر از جادو فاصله می‌گیرد، بیشتر از تلقی عادلانه بودن درد و رنج فاصله می‌گیریم (فصیحی، ۱۳۹۰، ۱۶۶-۱۶۷).

۳. شباهت‌ها و تفاوت‌های خوانش اسلامی (نظریه شهید مطهری) از شر و خوانش سکولار (نظریه ماکس وبر) آن با محوریت کرونا

در بررسی تطبیقی رویکردهای ماکس وبر و شهید مطهری نسبت به مسئله شر با تأکید بر مسئله کرونا شاهد شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی بین این دو رویکرد هستیم.

۳-۱. خوانش مسئله کرونا با دیدگاه شهید مطهری

اگر شیوع کرونا در ماه‌های اخیر را که موجب ایجاد بیماری، مرگ، مشکلات جسمی و آشفته‌گی روحی بسیاری از انسان‌ها و صدمات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره شده است به‌مثابه شر در نظر بگیریم، با استفاده از نظرات شهید مطهری در مورد شرور می‌توان این نکات را مد نظر قرار داد:

- شیوع و فراگیری بیماری کرونا را می‌توان امری نسبی به حساب آورد؛ زیرا شربودن آن نسبت به این جهان و افق محدود دنیا است. چه بسا همین پدیده از افق بالاتر خیر به حساب آید. مثل اینکه خداوند شیوع کرونا را مایه آزمایش بندگان خویش قرار داده است و کسانی که از این ابتلا سربلند بیرون آیند، درجاتی از کمال به آن‌ها اعطا می‌شود. پس اگر از جنبه الهی و وسیله‌ای برای رسیدن به درجات بالاتر به مسئله کرونا نگاه کنیم، سراسر خیر و برکت است، هرچند از دید دنیایی و مادی امری شر و مایه بدی به حساب آید.
- بیماری کرونا همانند سایر رنج‌ها جزئی از نظام واحد و یکپارچه جهانی است. در نظام خلقت، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها با هم همراه هستند و کلی را تشکیل می‌دهند که از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند. از ابتدای بشر، همیشه بیماری‌های زیادی وجود داشته است که در بسیاری از موارد همه‌گیر بوده و بسیاری از مردم را مبتلا کرده است. بیماری کرونا بخشی از

یک نظام واحد است که برای شر یا خیربودن آن نمی‌توان آن را به‌صورت منفرد و جدا از نظام خلقت در نظر گرفت، بلکه باید آن را جزئی از نظامی دانست که خداوند متعال از روی حکمت خلق کرده است.

- فراگیری کرونا با وجود ایجاد مشکلات فراوان، فوایدی نیز برای افراد و جامعه در پی داشته است. این فواید را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی بررسی کرد:

بعد فردی: در ایام قرنطینه و ماندن افراد در خانه، فرصت تفکر خودسازی و تهذیب و همچنین ایجاد تعامل و همدلی بیشتر افراد خانواده برای آنان فراهم شد. فواید فردی دیگری مانند تقویت ارتباط با خدا، توجه بیشتر به شکر نعمت‌ها از جمله نعمت حیات و سلامتی، روی آوردن به مطالعه، توجه به داشته‌ها، اصلاح الگوی مصرف، توجه به اهمیت بهداشت فردی و غیره از دیگر دستاوردهای شیوع کرونا بر افراد است.

بعد اجتماعی: فواید اجتماعی شیوع کرونا در کشور ما بسیار است مانند گسترش کمک‌های عام‌المنفعه شامل پوشش طوفان همدلی و سایر فعالیت‌های جهادی، کمک به مشاغل آسیب‌دیده و اقشار کم‌بضاعت، راه‌اندازی تجمع‌های تولید ماسک و لباس‌های بیمارستانی، کمک مردم برای راه‌اندازی بیمارستان‌های صحرائی و خدمات بهداشتی ضد عفونی کردن اماکن عمومی و خودروها و کمک به تجهیز و تدفین اموات و غیره همچنین در فضای مجازی، راه‌اندازی پوشش‌های همدلانه مانند در خانه بمانیم برای تشویق مردم به قرنطینه و نیز پوشش صاحب‌خانه خوب، برای تشویق صاحب‌خانه‌ها به منظور بخشش کرایه منزل و ارائه کتاب‌های الکترونیکی رایگان و ارائه مشاوره پزشکی و روان‌پزشکی به‌صورت رایگان و غیره نمونه‌هایی از رشد اجتماعی مردم در ایام شیوع کرونا است.

۳-۲. خوانش مسئله کرونا با دیدگاه ماکس وبر

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که بر طبق دیدگاه عقلانی وبر چگونه می‌توان شیوع بیماری در جهان را طی ماه‌های اخیر توجیه و حیات معناداری برای مردم عصر حاضر ترسیم کرد. براساس دیدگاه وبر، از آنجا که وظیفه همه ادیان و پیامبران ایجاد و ترسیم یک نظام اخلاقی برای انسان به‌منظور معنادارکردن زندگی است، باید در موارد بروز مشکلات و درد و

رنج و توزیع ناعادلانه امکانات برای او توجیهی برای درد و رنج بشر ارائه دهد. تئودیسه یا عدل الهی باید بیمارشدن و مرگ میلیون‌ها نفر در جهان بر اثر کرونا را توجیه کند و پاسخی بر این نیاز عقلانی بشر باشد. در نتیجه در دنیای مدرن که عقلانیت حاکم است، توجیه پدیده کرونا امکان‌پذیر نیست و فقط با استفاده از دین و نظام اخلاقی باید آن را توجیه و زندگی را برای انسان محصور در کرونا معنادار کنیم. در رویکرد وبر نوعی نگاه ابزاری نسبت به دین مشاهده می‌شود که رویکرد او را به تقلیل‌گرایی کشانده و اهداف متعالی دین را به معنی‌آفرینی برای دنیا تقلیل داده است. کارکردهای دین را می‌توان به دو نوع کارکردهای دنیایی و متعالی یا غایی و تبعی تقسیم کرد. وبر تحت تأثیر انسان‌شناسی روشنگری، ابعاد وجودی انسان را به بعد مادی آن تقلیل می‌دهد. در نتیجه از نظر وی مشکلات دنیایی مانند شیوع کرونا انسان را به معنا محتاج کرده است (Berger, 1974: 125).

در جدول ۱ مقایسه خوانش وبری و تقریر شهید مطهری از مسئله شر، از طریق مفاهیم به‌کاررفته در هر رویکرد به نمایش درآمده است.

جدول ۱. مقایسه خوانش وبری و تقریر شهید مطهری از شرور

مفهوم	ماکس وبر	مسئله کرونا	شهید مطهری	مسئله کرونا
مفهوم ۱	تئودیسه	وظیفه دین توجه کرونا برای گرفتاران در آن است.	عدمی بودن شر	بیماری کرونا به‌مثابه نبود سلامتی است.
مفهوم ۲	معنای زندگی	دین باید به زندگی افراد محصور در کرونا معنابخشی کند.	نسبی بودن شر	شیوع کرونا نسبت به شرایط قبل از آن شر محسوب می‌شود.
مفهوم ۳	عقلانیت	انسان عقلانی‌شده بدون جادو نمی‌تواند کرونا را توجیه کند و شرور سبب ایجاد اختلال در معنا هستند.	اندام‌وارگی جهان	کرونا را باید به‌عنوان جزئی از نظم یکپارچه جهان نگریست.
مفهوم ۴	*	شروری مانند کرونا بی‌معنا و فایده هستند.	فواید شرور	کرونا به‌غیر از درد و رنج فوایدی هم دارد.
مفهوم ۵	فاعل شر	شر هم مانند خیر فاعل دارد.	فاعل شر	شر چون عدمی است، فاعلی ندارد.

خوانش‌های ارائه‌شده از مسئله شر بر مبنای رویکرد ماکس وبر، دارای اشکالاتی است؛ در نتیجه پاسخ ارائه‌شده به وسیله شهید مطهری بهتر توانسته است پاسخ مناسب و کاملی برای ذهن انسان جست‌وجوگر فراهم کند و شرور عالم از جمله شیوع کرونا را توجیه کند.

شباهت‌های دیدگاه وبر و شهید مطهری در مورد مسئله شر این است که آن‌ها در توجیه این پدیده ابتدا وجود خالق برای جهان هستی را می‌پذیرند و در تعریف درد و رنج و شرور اتفاق نظر دارند، اما مهم‌ترین تفاوت رویکرد وبر و شهید مطهری در مواجهه با امری مانند شیوع کرونا را می‌توان در نوع نگاه آنان به دین دانست. رویکردهای غربی، نسبت به شرور بیشتر بر این نکته تأکید دارد که دین ابزار و وسیله‌ای برای توجیه این چنین پدیده‌ها است. به گفته وبر هدف دین از اطمینان‌آفرینی روانی، چیزی نیست جز درک‌پذیر ساختن جهانی که به نوعی معنادار است (Weber, 1970). به عبارت دیگر، در اندیشه وبر پدیده‌های شر، مانند شیوع کرونا، به نوعی دارای معنا و مفهوم هستند و وظیفه اصلی دین درک‌پذیر کردن آن‌ها است، اما از دیدگاه حکمای اسلامی وجود سختی‌ها و محرومیت‌ها به بشر کمک می‌کند از نردبان علم بالا برود. شرور در انسان روح مقاومت و پایداری را تقویت می‌کند و او را در برابر حوادث صبور و بردبار بار می‌آورد. طوفان حوادث نمی‌تواند درخت وجود او را از جا برکند و نیز زندگی او را از یکنواختی بیرون می‌برد و او را از خواب غفلت بیدار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

همان‌طور که گفته شد، از نظر وبر با پیشرفت مدرنیته و عقلانیت، معنای زندگی کمرنگ می‌شود؛ زیرا افراد با عقلانیت بیشتر، برداشت دقیق‌تر و عمیق‌تری از درد و رنج و بیماری و بی‌عدالتی خواهند داشت و دیگر با جادو و ادیان ابتدایی اقیاناع نمی‌شوند. وبر معتقد است اگر اعتقاد به وجود خدایی توانا داشته باشیم که جهان را آفریده است و بر آن‌هم نظارت می‌کند، دیگر چگونه می‌توانیم وجود رنج و شر را توجیه کنیم؟ (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۸). در حالی که در رویکرد اسلامی، دین و اعتقاد به عالم دیگر که زندگانی و سعادت حقیقی در آن در جهان دیگر تعییبه شده است، به حیات مادی انسان معنا و مفهوم دیگری می‌دهد. انسان را در اعمال دنیایی خود امیدوار و بانشاط می‌کند؛ زیرا درد و رنج هر چند سنگین باشد، موقت است و از سوی

آفریدگار جهان جبران خواهد شد. در آیاتی از قرآن کریم آمده است: **فَأِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، لِكَيْ لَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ** ...^۲ بدین سان، دین به معمای اشکال شرور در جهان آفرینش، پاسخ قانع کننده‌ای ارائه می‌دهد (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲).

وبر سختی و رنج انسان‌ها را از کاستی‌ها و بدی‌ها می‌داند که دین درصدد رفع و توجیه آنان است. او هدف مردم از دین‌داری را رسیدن به خوشبختی و رهایی و از درد و رنج و به دست آوردن اعتمادبه‌نفس می‌داند (همیلتون، ۱۳۹۸: ۳۰۸). وبر با ارائه این تفسیر درصدد توجیه و معنابخشی به پدیده درد و رنج با استفاده از دین است. از نظر وبر شیوع کرونا یک پدیده بی‌معنی است که نقش دین تحمل‌پذیرکردن آن است، اما در دیدگاه شهید مطهری شرور دارای معنا هستند. در نتیجه با توجه به نظریه شهید مطهری به‌عنوان یک فیلسوف مسلمان، شیوع بیماری کرونا و درد و رنج ناشی از آن مسئله‌ای نسبی و نیز جزئی از اندام یکپارچه جهان هستی است که خالقی حکیم و نیز آثار و فوایدی برای کمال انسان‌ها دارد.

۴. مقایسه رویکرد شهید مطهری و وبر در خصوص کرونا

براساس رویکرد اسلامی، از آنجا که خداوند حکیم مطلق است، نظام خلقت و همه پدیده‌های آن از جمله درد و رنج و شرور را حکیمانه آفریده است. در الهیات اسلامی مطابق با نظر شهید مطهری، ابتدا خدا ثابت می‌شود. سپس به ارتباط خدا به‌عنوان خالق هستی با جهان توجه صورت می‌گیرد.

۱. اسلام شر را امری عدمی می‌داند که از نبود خیر پدید آمده است و در این صورت فاعلی ندارد. شهید مطهری بر این باور است که چه شرور بالذات که از نوع عدمی هستند و چه شرور نسبی که از نوع موجودات هستند یا فاعلی ندارند یا فاعلشان همان فاعل خیرات است و جعل آن‌ها جعل خیر است نه جعل شر (مطهری، ۱۳۶۸: ۹۲۸)، اما از نگاه وبر شر فاعل است؛ مانند دیدگاه ثنویت مبتنی بر رویکرد غربی که برای خیر و شر فاعل مجزایی در نظر می‌گیرند.

۱. پس بی‌تردید با دشواری آسانی است. آیه ۵ سوره انشراح

۲. تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دل‌تنگ نشوید و به آنچه به شما می‌دهد مغرور و دل‌شاد نگردید. آیه ۲۳ سوره حدید

۲. در رویکرد اسلامی شر امری نسبی است، اما در دیدگاه اندیشمندان غربی مانند وبر، در توجیه درد و رنج مانند شیوع بیماری کرونا نوعی ناتوانی و تسلیم به چشم می‌خورد و می‌خواهند از طریق دین آن را توجیه کنند. نتیجه این نوع نگاه، عرفی شدن دین و جامعه از طریق ابدال و تبدیل است. علاوه بر این، نگاه وبر به دین تقلیل‌گرایانه است. او کارکردهای غایی دین را به کارکردهای دنیایی و کارکردهای دنیایی را به کارکرد معنابخشی تقلیل داده است. حال آنکه دین دارای کارکردهای متنوع و متکثر است و معنابخشی یکی از آنها است (فصیحی، ۱۳۹۰).

۳. اسلام معتقد است نظام جهان مانند اندام یکپارچه است و شر از جزئی‌نگری ناشی می‌شود؛ این در حالی است که از دیدگاه وبر، شرور عالم موجب اختلال معنا هستند و نیز منشأ رنج در ناهمخوانی نظام انتظارات با تجربه‌های عینی است. همیشه میان تصورات و آرمان‌های انسان با وضعیت موجود اختلاف وجود دارد (Weber, 1970: 59).

۴. شرور دارای فوایدی هستند و موجب رسیدن به کمال و شکوفایی استعدادها و فضائل اخلاقی و عاملی برای غفلت‌زدایی از طریق ابتلا و آزمون الهی است. رویکرد فیلسوفان اسلامی به مسئله شر با رویکرد متفکران مغرب زمین کاملاً متفاوت است. متفکرانی نظیر وبر در تحلیل خود از درد و رنج آغاز می‌کنند و برای توجیه آن به هر دری می‌زنند، اما در رویکرد اسلامی مانند نظریه شهید مطهری ابتدا خدای عادل و خیرخواه و حکیم را می‌پذیرد. سپس به مسئله شرور می‌پردازند. در قرآن به راز شرور اشاره شده است؛ برای نمونه، در این آیه رسیدن به کمال و صبر را از جمله فواید شرور می‌داند: *وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ*^۱. نتیجه اینکه در شیوع کرونا معتقدان به رویکردهای غربی و سکولار، با بن‌بست معنا مواجه می‌شوند و در تلاش خود برای توجیه پدیده ناتوان می‌مانند، اما با رویکرد اسلامی و الهی از جمله دیدگاه شهید مطهری، شیوع کرونا آزمونی به‌منظور ارتقا و کمال بشری و از جمله خیرات به حساب می‌آید. در نتیجه رویکرد شهید مطهری از مسئله شرور با توجه به شیوع کرونا از توفیق بیشتری برخوردار است.

۱. قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! سوره بقره آیه ۱۵۵

نتیجه گیری

مسئله اصلی پژوهش حاضر شیوع بیماری کرونا و تبیین آن به عنوان یکی از شرور عالم است. اینکه انسان‌ها همواره با مسائلی شروری مانند بلایای طبیعی، بیماری‌ها و غیره مواجه بوده‌اند. این پدیده‌ها همواره انسان را با چالش‌های گوناگونی از جمله چالش‌های دینی و اعتقادی روبه‌رو کرده است که پاسخگویی به این چالش‌ها در میان متفکران مختلف با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارد. از همین رو در این پژوهش به مقایسه رویکرد شهید مطهری و ماکس وبر به عنوان نماینده تفکر اسلامی و سکولار پرداخته شده است.

براساس رویکرد شهید مطهری، مسئله شر این‌گونه خوانش می‌شود که شرور امری عدمی و نسبی هستند و جهان اندام‌واره‌ای است که باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شود. علاوه بر این، شرور دارای فوایدی نیز هستند. شهید مطهری فواید شرور را این‌گونه برمی‌شمرد: نمایاندن خیرات و هموارکردن راه سعادت و کمال و داشتن نقش مربی برای انسان، اما ماکس وبر پدیده شر را با توجه به این مفاهیم تبیین می‌کند: اول مفهوم تنودیسسه یا عدل الهی و اینکه دین، مسئول فراهم کردن توجیهی برای معنی‌دار کردن امور انسان از جمله شر است و مفهوم دیگر عقلانیت وبر است که از طریق آن، مفاهیم دینی را نظام‌مند می‌کند. او به دنبال یافتن معنایی برای زندگی است. معنایی که از نظر وبر با عقلانی شدن از میان رفته است. از دیدگاه وبر، در عصر حاضر لازم است انسان‌ها دین‌دار باشند تا اگر بیماری‌ای مانند کرونا بر جهان عارض شد، بتوان درد و رنج آن را توجیه کرد. تبیین رویکرد وبری از شر این است که او معتقد است انسانی که پیش‌تر از طریق جادو می‌توانست با شرور عالم مواجه شود، با عقلانیتی مواجه شد که آن ابزار کارآمد را از او سلب کرد و اکنون دین است که باید وظیفه او را انجام دهد.

رویکرد شهید مطهری به مسئله شر و خوانش ماکس وبر با محوریت کرونا، دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. شباهت‌های این دو دیدگاه در این است که هردوی آن‌ها، ابتدا وجود خالق را برای هستی پذیرفته‌اند و برداشت مشابهی از درد و رنج و شروع عالم دارند. این باور در آثار آن‌ها و گفتارشان هویدا است، اما مهم‌ترین اختلاف این دو رویکرد در مواجهه با امری مانند شیوع کرونا، نگاه آن‌ها به دین و نقش دین است. وبر دین را ابزاری برای توجیه پدیده شر می‌داند و می‌خواهد شر را دارای معنا و مفهوم تلقی کند، ولی شهید مطهری سختی‌ها و

محرومیت‌هایی مانند شیوع کرونا را خدمتی به رشد بشر می‌داند که می‌تواند او را به کمال برساند و از خواب غفلت بیدار کند. به همین دلیل آن را دارای نقش تربیتی می‌داند. وبر ضروری مانند کرونا را نوعی نقص و کمبود می‌داند که دین تئودیسه یا عدل الهی است که باید آن را توجیه کنند، اما از دیدگاه شهید مطهری خود شر دارای معنا است و جزئی از مقدرات الهی برای بشر به حساب می‌آید.

از آنچه گذشت، برتری رویکرد شهید مطهری که خوانشی اسلامی نسبت به شر است، نسبت به خوانش سکولار که همان دیدگاه ماکس وبر است، روشن می‌شود. رویکرد اسلامی، پدیده‌های موجود در جهان حتی درد و رنج را از روی حکمت الهی می‌داند و معتقد است خدایی که خالق جهان است، پس از خلق جهان در نهایت تدبیر آن را مدیریت می‌کند و شرور نیز جزئی از حکمت خداوند است. بر این اساس شر امری عدمی است و فاعلی ندارد، اما از نگاه وبر شر دارای فاعل است و فاعل شر از فاعل خیر مجزا است. از نگاه اسلامی نسبت شر ما را از توجیه آن بی‌نیاز می‌کند. نگاه کل‌نگرانه اسلامی، شر را جزئی از نظام خلقت می‌داند، ولی سکولار رویکرد غربی با غفلت از مسئله شر را نوعی ناهمخوانی و بی‌نظمی تلقی می‌کند که مانع از ترقی و پیشرفت انسان است؛ در صورتی که از دیدگاه اسلامی شر وسیله‌ای برای کمال و شکوفایی انسان است. وجدان‌های بیدار در مواجهه با این دو رویکرد و خوانش متفاوت آن دو، از ضروری مانند همه‌گیری بیماری کرونا با وجدان بیدار و تفکر منطقی بر تفوق رویکرد اسلام بر رویکرد سکولار اذعان خواهند داشت.

منابع

- قرآن کریم
- آبراکرامبی، نیکلاس، هیل، استفن و ترنر، برایان اس (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان. تهران: چاپخش.
- آدینه، روح‌الله و شاهرودی، سمانه (۱۳۸۹). تطبیق رویکرد شرور از دیدگاه شهید مطهری و آگوستین. مجله پژوهش‌های علم و دین، ۱۹.
- امینی، حسن (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی خیر و شر از دیدگاه ابن عربی و ابن‌سینا، ترجمه و نشر المصطفی.

- ابن سینا، حسین ابن عبدالله (۱۳۸۵). ترجمه و شرح الاهیات النجاه. ترجمه یحیی یثربی. تهران: بوستان کتاب.
- بحرانی، ابن میثم (۱۳۹۱). قواعد المرام فی علم الکلام. چاپ اول. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی (ره).
- پورحسن، قاسم و اسکندری دامنه، حمیدرضا (۱۳۹۳). مقایسه دیدگاه مطهری و سوئینبرن درباره مسئله شر. پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، ۱۲(۲).
- جبرئیلی، محمد صفر (۱۳۸۵). مسئله شر و راز تفاوت‌ها. چاپ اول. تهران: کانون اندیشه جوان.
- راه چمنی، محمدعلی، علی زمانی، امیرعباس و واعظی، حسین (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل شرور بی‌وجه از منظر علامه طباطبایی و استاد مطهری. فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، ۱۴(۵۶).
- روستایی پاتیه، لیلا (۱۳۹۶). راز و فواید شرور از دیدگاه شهید مطهری و حکمای اسلامی. سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). روش‌های تحقیقی در علوم اجتماعی. جلد دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۹۰). نقد برهان ناپایداری وجود خدا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فصیحی، امان‌الله (۱۳۹۰). معضلات دنیای مدرن از نظر ماکس وبر. نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۲)، ۱۵۳.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲). کارکرد دین در انسان و جامعه. فلسفه و کلام (حکمت و فلسفه)، ۱(۱)، ۷-۳۵.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). تاریخ فلسفه عرب، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). عادل الهی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). بیست گفتار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). درس‌های الهیات شفا، جلد ۳، تهران: حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار (اصول فلسفه و روش رئالیسم)، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). پیام قرآن، مدرسه امیرالمؤمنین. جلد ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- واخ، یواخیم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین. ترجمه جمشید آزادگان، چاپ دوم، تهران: سمت.
- وبر، مکس (۱۳۹۲). دین قدرت جامعه. ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- وبر، مکس (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- همتی، همایون (۱۳۷۵). ناکامی در تبیین معنا و مبنای سکولاریسم، فصلنامه کتاب نقد، ۱.

-همپلتون، مالکم (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.

- Berger, P. L. (1973). *The Social Reality of Religion*, Harmondsworth: Penguin.
- Clark, M., & Kelly, J. (2014). *Religion and the Sciences of Origins: Historical and Contemporary Discussions*. New York.
- Kekes, J. (1998). *Routledge/ Encyclopedia of Philosophy*. Routledge.
- Peter, L. B. (1974), Some Second Thoughts on Substantive versus Functional Definitions of Religion, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 13(2), 125-133.
- Tenbruck, F. (1989), *The problem of the thematic unity in the works of Max Weber*. London: Routledge.
- Weber, M. (1963). **Sociology of religion**. Boston: Beacon Press.
- Mills (eds) From Max Weber (1970). *Essays in Social Theory*. London: Routledge.
- <https://www.mehrnews.com/news/4899454/>
- <http://www.mortezamotahari.com/fa/ArticleView.html?ArticleID=78769>

